

عالم، انسان صغیر است، و انسان کبیر همان است که درون تو وجود دارد. مولوی می‌گوید:

چیست اندر خم که اندر نهر نیست

چیست اندر خانه کاندر شهر نیست

آیا می‌شود چیزی در خانه باشد، ولی در شهر نباشد؟ نه! چون خانه خودش جزء شهر است. هر چه در خانه هست، نمونه‌ای است از آنچه در شهر است.

این جهان خم است و دل چون جوی آب  
این جهان خانه است و دل، شهر عجاب  
نمی‌گوید این دل خم است و جهان چون  
جوی آب؛ می‌گوید: این جهان خم است و دل  
چون جوی آب. این چه قدر انسان را از بیرون  
[منصرف] می‌کند! انسان سراغ خانه می‌رود یا  
سراغ شهر؟ معلوم است وقتی هر چه در خانه است  
در شهر هم هست، انسان سراغ شهر می‌رود. آیا  
انسان سراغ خم و یک ظرف کوچک می‌رود یا  
سراغ جوی آب؟ معلوم است که سراغ جوی آب  
می‌رود، نه سراغ یک ظرف کوچک و یک خم.

عرفان براساس درونگرایی و دلگرایی و توجه  
به باطن و انصراف از بیرون است، و حتی ارزش  
بیرون را به عنوان اینکه بشود مطلوب خود؛ یعنی  
حق را از جهان بیرون به دست آورد نفی می‌کند؛  
می‌گوید از درون باید آن را به دست آورد.

در مکتب عرفان، طبیعت حتی به عنوان  
یک کتاب کوچک، کمتر معرفی می‌شود  
نمی‌گویم هیچ معرفی نمی‌شود؛ و حال آنکه  
در کلام منسوب به امیرالمؤمنین (ع)، عالم، عالم  
اکبر است و انسان، عالم اصغر:

دَوَاؤُكَ فَيْكُ وَمَا تُبْصِرُ وَدَاؤُكَ مِنْكَ وَمَا تَشْعُرُ  
وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي بِأَحْرَفِهِ يَطْهَرُ الْمُضْمَرُ  
أَتَزَعُمُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكُ أَنْطَلَوِي الْعَالَمَ الْأَكْبَرُ  
حال ما اگر این منطق را بر منطق قرآن هم

عرضه بداریم، در عین اینکه بسیاری از جهات  
مثبت در آن وجود دارد، ولی از این جهت آن را  
لنگ می‌بینیم که قرآن این قدر به طبیعت بی‌اعتنا  
نیست، بلکه از نظر قرآن، آیات آفاق و انفس در  
کنار یکدیگر است: (سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاِفَاقِ وَفِي  
أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ).<sup>(۱۴)</sup>  
البته من قبول دارم که عالی‌ترین و  
شریف‌ترین معرفت‌ها برای انسان، از درون خود  
انسان به دست می‌آید، ولی نه این است که دیگر  
طبیعت چیزی نباشد و آیت حق و آینه‌ی خدا  
نباشد و فقط دل، آینه‌ی خدا باشد؛ بلکه دل یک  
آینه‌ی خداست و طبیعت یک آینه‌ی دیگر خدا.

### رابطه‌ی انسان با طبیعت

در اسلام رابطه‌ی انسان با طبیعت رابطه‌ی  
کشاورز است با مزرعه، رابطه‌ی بازرگان است با  
بازار تجارت، رابطه‌ی عابد است با معبد. برای  
کشاورز، مزرعه هدف نیست، بلکه وسیله است؛  
یعنی از همین مزرعه وسایل خوشی و سعادت  
او به دست می‌آید؛ ... همان‌گونه که پیامبر  
اعظم (ص) می‌فرماید: الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ<sup>(۱۵)</sup>  
اگر کشاورز مزرعه را با خانه و مقر خود اشتباه  
کند، خطا کرده است. مزرعه را به عنوان مزرعه  
بودن، نباید با چیز دیگری اشتباه کند. بازار برای  
یک بازرگان جای کار است... دنیا هم چنین  
چیزی برای انسان است. کلام امیرالمؤمنین (ع)  
است: الدُّنْيَا مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.<sup>(۱۶)</sup>

شخصی در حضور امیرالمؤمنین (ع) دنیا را  
مذمت کرد، چون شنیده بود که حضرت علی (ع)  
دنیا را مذمت می‌کند، ولی نمی‌فهمید که حضرت از  
چه جنبه دنیا را مذمت می‌کند. او خیال می‌کرد وقتی  
حضرت علی (ع) دنیا را مذمت می‌کند، مثلاً طبیعت را  
مذمت می‌کند. نمی‌دانست که آن حضرت دنیا پرستی



را مذمت می‌کند؛ و تو را از پرستش دنیا که ضد حق پرستی و حقیقت پرستی و مساوی بانفی همه-ی ارزش‌های انسانی است مذمت می‌کند. وقتی آن مرد دنیا را مذمت کرد، حضرت علی(ع) برآشفتم و فرمود:

أَيُّهَا الذَّامُّ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا الْمَخْدُوعُ بِأَبْطِلِهَا، اتَّقَتَّرْ بِالدُّنْيَا تُنْمَ تَذْمُهَا؟ أَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمُتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ؟ (۱۷۷)

ای آقای مذمتگر دنیا! ای کسی که فریب دنیا را خورده‌ای! دنیا تو را فریب داد، تو فریب خوردی. خیلی تعبیر عجیبی است. دنیا کسی را فریب نمیدهد، انسان خودش فریب می‌خورد.

من در این باره مثلی می‌گویم: یک وقت پیرزنی با آرایش‌های مصنوعی، انسان را گول می‌زند. دندان در دهانش ندارد، دندان مصنوعی می‌گذارد؛ مو به سرش ندارد، موی مصنوعی می‌گذارد. به قول آن شاعر عرب:

عَجُوزٌ تَمَنَّتْ أَنْ تَكُونَ فِتْيَةً وَقَدْ يَبَسَ الْعَيْنَانِ  
وَاحْدُودَبَ الظُّهُرُ

یک بیچاره‌ای او را به صورت یک زن جوان خیال می‌کند و وقتی کار از کار گذشته می‌بیند که اشتباه کرده است، ولی یک وقت همیمن پیرزن می‌گوید: آقا! سن من پنجاه و نه سال و شش ماه و شش روز است و حقیقت را می‌گوید. دندان‌ها و موهایش رانشان می‌دهد، می‌گوید: یک دندان هم به دهانم ندارم و موهایی که می‌بینی، موی مصنوعی است که به سرم گذاشته‌ام. من همیمن هستم؛ آیا حضری با من ازدواج کنی؟ او هرچه می‌گوید: من دندان ندارم، انسان می‌گوید: قربان همان دندان‌هایی که نداری! هرچه می‌گوید: من زلف ندارم، انسان می‌گوید: شما تعارف می‌فرمایید، من می‌فهمم که شما دارید و هزم نفس می‌کنید پس این پیرزن تو را فریب نداده، تو خود آماده‌ی فریب خوردن هستی، خودت

می‌خواهی خودت را فریب بدهی، یک موضوع برای فریب خوردن می‌خواهی...

بیا حساب کنیم، آیا تو بر دنیا جنایت کردی، یا دنیا بر تو جنایت کرد؟ تو به این عالم خیانت می‌کنی، یا عالم به تو خیانت می‌کند؟ مَتَى عَرَّتْكَ؟ (۱۸۸) دنیا کی تو را فریب داد؟ أَمْ مَتَى اسْتَهْوَتْكَ؟ (۱۸۹) کی دنیا هوای نفس تو را طلب کرد؟ این تو هستی که با هوای نفس خود دنبال دنیا هستی. أَبْصَارِعَ أَبَانِكَ مِنَ الْبَلْسِ؟ أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَّهَاتِكَ تَخْتِ الشَّرَى؟ (۲۰۰) بعد فرمود: الدُّنْيَا مَسْجِدٌ أَحْبَاءُ اللَّهِ (۲۱) دنیا مسجد دوستان خداست. آیا اگر مسجد نباشد، عابد می‌تواند عبادت کند؟ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ؟ (۲۲) دنیا بازار تجارت اولیای خداست. اگر بازار نباشد، آیا بازرگان می‌تواند بازرگانی کند و سود ببرد؟

آن فکر که دنیا را برای انسان به منزله‌ی زندان و چاه و قفس می‌داند و می‌گوید وظیفه‌ی انسان بیرون رفتن از این زندان و خارج شدن از این چاه و شکستن این قفس است، مبتنی بر یک اصل دیگری در باب معرفه‌ی نفس و معرفه‌ی الروح است که اسلام آن را قبول ندارد.

### ترک خودی

عرفان، دل را محترم می‌شمرد، ولی چیزی را که به نام نفس در قرآن آمده است، خوار می‌دارد. قسمتی از دعوت به ترک خودی و رفتن از خود و نفی خود و نفی خودبینی است. این مطلب فی حد ذاته مطلب درستی است و منطق اسلام هم آن را تأیید می‌کند.

ما در اسلام با دو خود و حتی با دو نفس برخورد می‌کنیم. اسلام در عین اینکه یک خود را نفی می‌کند و آن را خرد می‌کند، خود دیگر را در انسان زنده می‌کند و این مطلب، خیلی

دقیق است. می‌دانید این مسأله، مثل چیست؟ مثل این است که یک دوست و یک دشمن در کنار و هم مرز یکدیگر ایستاده باشند و دوست در خطر باشد. اگر دوست را بزنیم، تمام هدفمان از بین رفته است... نظیر این مسأله زمانی است که دوست و دشمن با یکدیگر گلاویز شوند و هر یک بخواهد دیگری را بکشد. شما باید تیر یا شمشیرتان را آنچنان بزنید که دشمن را بکشید و به دوستان اصابت نکند.

این دو خود در آدمی آنچنان به یکدیگر پیوسته است یک شکارچی فوق‌العاده ماهر می‌خواهد که یک خود را که دنائت و پستی است در هم بشکند و یک خود دیگر را که تمام ارزش‌های انسانی به آن خود وابسته است از آسیب مصون بدارد.

معجزه‌ی اسلام این است که این دو خود را آنچنان دقیق تشخیص داده است که هیچ اشتباه نمی‌شود. در عرفان گاهی می‌بینیم این تشخیص هست، ولی گاهی می‌بینیم به جای اینکه خود دشمن را نشانه‌گیری کرده و زده باشند، خود دوست را زده‌اند؛ یعنی به جای اینکه نفس، قربانی شده باشد، همان چیزی که خود عرفا آن را دل، یا انسان می‌نامند قربانی شده است. این مسأله نکته‌ی بسیار دقیقی است...

مجاهده‌ی با نفس دوگونه است. گاهی مجاهده‌ی با نفس به شکل ریاضت است؛ یعنی خیلی به تن سختی می‌دهند؛ غذا خیلی کم می‌خورند و خواب را خیلی تقلیل می‌دهند. بدن انسان هم حالتی دارد که هر طور انسان آن را پرورش دهد، قبول می‌کند. ممکن است کسی در اثر ممارست زیاد، کاری کند که در شبانه‌روز واقعاً بتواند با چند مغز بادام به سر ببرد و همه‌ی خوابش در شبانه‌روز به یک ربع ساعت تقلیل پیدا کند؛ یعنی این تن را در حالت زجر قرار دهد که این کار بیشتر در بین هندی‌ها معمول

است و در میان مسلمین کمتر یافت می‌شود، چون منطق اسلام اجازه نمی‌دهد که این کار رایج شود. ولی قسم دیگر جهاد با نفس مبارزه‌ی با تن نیست، مبارزه‌ی با خود نفس و با روان است؛ یعنی برخلاف میل نفس رفتار کردن است که این هم تا حدی درست است، ولی در همین جا گاهی چیزهایی می‌بینیم که با منطق اسلام جور در نمی‌آید؛ یعنی انسان کامل اسلام این طور نیست. (۲۳)

پی نوشت:

- [۱]. البته بوعلی در اواخر، از این نظر خودش برگشت.
- [۲]. حال، من به راست یا دروغ بودن این حرف کاری ندارم.
- [۳]. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.
- [۴]. التوبه ۹: ۱۱۲.
- [۵]. همان.
- [۶]. الفتح ۴۸: ۲۹.
- [۷]. همان.
- [۸]. همان.
- [۹]. الفتح ۴۸: ۲۹.
- [۱۰]. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰.
- [۱۱]. بحارالأنوار، ج ۶۶، ص ۳۱۷.
- [۱۲]. از خود بطلب؛ یعنی از دل بطلب، از درون بطلب.
- [۱۳]. دلی که آنها می‌گویند؛ یعنی همان روح الهی که در هر انسانی دمیده شده است: (وَتَفَخَّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي)؛ ص ۳۸: ۷۲.
- [۱۴]. فضلت ۴۱: ۵۳.
- [۱۵]. مناوی، کنز الحقایق، باب دال.
- [۱۶]. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.
- [۱۷]. همان.
- [۱۸]. همان.
- [۱۹]. همان.
- [۲۰]. همان.
- [۲۱]. همان.
- [۲۲]. همان.
- [۲۳]. منبع: مرتضی مطهری (ره)، انسان کامل.



# فقیه صدوق



فقہ شیعه به شمار می‌رود. ایشان با مسافرت‌های دور و دراز در بلاد اسلامی و ارتباط با بزرگان و امرا و رجال فراوان و حضور در محافل سیاسی و علمی و در پرتو منطق قوی و وسعت معلومات خود موفق شد مذهب اثنی عشری و فقه و اصول و کلام شیعه را مدون نماید.

ایشان را صدوق می‌گویند چون گفتار و نظرات او مورد قبول و تصدیق سایر فقها بود لذا او را (صدوق) لقب دادند یعنی هر چه گفته راست گفته است.

شیخ صدوق با دعای امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه متولد شد و داستان از این قرار است که پدر شیخ صدوق علی بن بابویه که او هم از فقهای بزرگ شیعه است عریضه ای توسط حسین بن روح تقدیم امام غایب حضرت مهدی (عج) کرد و استدعا می‌کند که من دارای فرزند ذکور نیستم و شما از خداوند برای من طلب فرزند پسر بنمایید. در جواب عریضه او حضرت پیام می‌دهند که بزودی خداوند دو پسر فقیه روزی او خواهد نمود و چنین شد. این دو پسر یکی به نام ابوعبدالله حسین و دیگری ابوجعفر محمد معروف به شیخ صدوق بودند. ولادت شیخ صدوق در سال ۳۱۱ قمری و وفات او در سال ۳۸۱ قمری بوده است که در هنگام وفات سن مبارک این عالم ارزشمند در حدود هفتاد سال بوده است.

شیخ صدوق مسافرت‌های زیادی داشت از قم به ری که آن روز پایتخت سلاطین شیعی مذهب آل بویه و مرکز علما و رجال بوده سفر می‌کند و از آنجا به خراسان. بعد به بغداد سفر کرده و در آنجا

## عظمت شیخ صدوق

... وقتی مجبور شدم برای تعمیر قبر شیخ صدوق سنگ قبر را بردارم. وقتی چشمم به درون قبر افتاد، دیدم بدن شیخ صدوق بعد از هزار و یکصد سال تقریباً صحیح و سالم است.

آیت الله مرعشی

## جناب شیخ صدوق (رحمة الله) کیست؟

محمد بن علی بن بابویه ابوجعفر ملقب به صدوق از بنیانگذاران فقه شیعه و در صف اول محدثین و یکی از برجسته‌ترین عالمان مذهب شیعه اثنی عشری می‌باشد.

همانگونه که فقه اهل سنت بر شش مجموعه حدیث مبتنی است که آنها را صحاح سته گویند (صحیح بخاری - صحیح مسلم - سنن ابوداود - سنن ترمذی - سنن ابن ماجه و سنن نسائی) و این شش کتاب از دیدگاه اهل تسنن بسیار بالارزش است. فقه شیعه اثنی عشری هم مبتنی بر چهار کتاب می‌باشد که در اصطلاح علمای بزرگوار شیعه به کتب اربعه معروف است که نویسندگان و تصنیف‌کنندگان آنها عبارتند از محمد بن یعقوب کلینی معروف به ثقة الاسلام کلینی مصنف کتاب شریف کافی و دو کتاب دیگر یکی به نام تهذیب الاحکام و الاستبصار مربوط است به شیخ طوسی و چهارمین کتاب هم کتاب ارزشمند من لا یحضره الفقیه که شیخ بزرگوار و رئیس المحدثین ابی جعفر معروف به شیخ صدوق تألیف نموده است. بنابراین شیخ صدوق یکی از ارکان

مجلس تدریس و روایت و حدیث دایر نموده و از بغداد به کوفه و سپس به زیارت خانه خدا مشرف شده و بعد از بازگشت به ایران سفری به همدان و بعد به خراسان و ماوراءالنهر چون سمرقند و ایلاق و خرغانه داشته و در همه سفرها مورد استقبال رجال علم و علمای شیعه قرار می‌گیرد و در ایلاق یکی از رجال شیعه به نام ابوعبدالله محمد بن حسن علوی به او پیشنهاد کرد به سیاق کتاب من لا یحضره الطبیب یعنی کسی که پزشک در دسترس ندارد (پزشک پیش خود) تألیف محمد ابن زکریای رازی (۳۱۱ق) کتابی در فقه تألیف کند و او کتاب من لا یحضره الفقیه یعنی کسی که فقیه در دسترس (فقیه پیش خود) ندارد، تألیف نمود.

شیخ صدوق در حدود ۳۰۰ عنوان کتاب دارد. مرحوم نجاشی در رجال نام ۱۹۳ عنوان را ذکر کرده، مرحوم محمدبن سلیمان تنکابنی در قصص العلما ۱۸۹ تألیف شیخ صدوق را نام برده، سعید نفیسی در مقدمه مصادقه الاخوان از ۲۱۴ کتاب

منسوب به صدوق اسم می‌برد و این تألیفات عمدتاً در ابواب فقه و اصول و تفسیر و سیره پیغمبر(ص) و ائمه (ع) و احتجاج و اخبار فضائل اهل بیت و اخبار غیبت و علائم ظهور امام غائب (عج) و پاسخ به سؤالات علمای بلاد اسلامی و مذاکراتی که در دربار رکن الدوله دیلمی (درزی) در شرح عقائد امامیه و دفاع از مذهب اثنی عشری بیان شده است و بعضی از آنها که به چاپ رسیده عبارتند از التوحید المقنع، علل الشرایع و ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، اکمال الدین، مبانی الاخبار، جامع الاخبار، مصادقه الاخوان، خصال، من

لا یحفره الفقیه، عیون اخبار الرضا، رساله الاعتقادات، الهدایة فی الاصول که قسمتی از کتاب اکمال الدین در یکصد سال قبل در هایدنبرگ آلمان به وسیله «مولر» منتشر شد و رساله اعتقادات به انگلیسی ترجمه شده است.

شیخ صدوق شاگردان بزرگی تربیت کرد که معروفترین ایشان مرحوم شیخ مفید و ابن شاذان می‌باشند.

بد نیست جهت عظمت شیخ صدوق داستانی در پایان این مقال نقل شود. مرحوم آیت الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی نجفی که از مراجع بزرگ شیعه در دو دهه قبل بودند، فرمودند پدرم آیت الله

مرعشی در حدود ۶۰ سال قبل از نجف به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت (رضاع) سفر می‌کنند، در شهرری خبر می‌دهند سیل قبر شیخ صدوق را خراب کرده، ایشان می‌روند که قبر را تعمیر نمایند، فرمودند وقتی رفتم مجبور شدم برای تعمیر قبر شیخ صدوق



سنگ قبر را بردارم. وقتی چشمم به درون قبر افتاد، دیدم بدن شیخ صدوق بعد از هزار و یکصد سال تقریباً صحیح و سالم است. حتی مرحوم شیخ ظاهراً روز جمعه بعد از غسل جمعه از دنیا می‌روند. مرحوم آقای مرعشی فرمودند خدا می‌داند که قطرات آب غسل در محاسن ایشان مشاهده می‌شد. این مطلب نشانگر عظمت این عالم بزرگوار است که معلوم می‌شود دعای امام زمان مستجاب گردیده و او مورد نظر امام غایب می‌باشد. یادش گرامی و مضجع شریفش پرنور باد.



# حقوق والدین

حجت الاسلام و المسلمین موسوی  
کارشناس مسائل خانواده و آسیب‌های اجتماعی

گل - عطر

نهال - میوه

هر موجودی در مقابل خدمات و احسان پاسخ می‌دهد  
«هل جزاء الاحسان الا الاحسان»  
درخت هوا را تصفیه می‌کند  
حیوان بار را می‌برد، شیر می‌دهد  
زمین محصول می‌دهد

در مورد والدین هم در قرآن در ۷ موضع در حدود ۱۳ بار خداوند به حقوق والدین اشاره کرده است. «و قضي ربك الا تعبد الا اياه و بالوالدين احساناً اما يبلغن عند الكبر احدهما او كلاهما فلا تقل لهما اف و لا تنهرهما فقل لهما قولا كريماً قل رب ارحمهما كما ربياني صغيراً و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه»  
در ۷ موضع از مواضع قرآنی در حدود ۱۳ بار به اطاعت از والدین تکلیف شده است جز شرک به خدا و خلاف شرع در همه حال مطاع است و دختر تا زمان تجرد که شوهر ندارد.

سفر بدون رضایت والدین حرام، نماز تمام است  
در نماز مادر صدا بزند جواب دهد  
نماز جماعت در صورت ممانعت والدین لغو

در اعمال استجابی باید نظر والدین را جلب کرد  
پیامبر اکرم (ص) به مردی فرمود: می‌خواهی  
اهل آتش را ببینی به چهره عاق والدین نگاه کن

«وقضى ربك» در عرض حق خودش خداوند حق والدین را قرار داده:

البته حقوق دو طرفه است عاق اولاد هم داریم. هر جا حق هست وظیفه ای هم هست. هرچه خدمات سنگین تر است پاداش بیشتر است.

۱- دوری از آتش

۲- آسانی سکرات موت ( مردی در نماز غایب بود رسول الله جویای حال

او شدند، عرض شد بیمار است. مشاهده کردند در وضع بدی در حال جان دادن است اما راحت نمی‌شود. عرض کردند مادرش از او متنفرند و نفرین کرده است).

۳- آموزش گناهان

۴- افزایش روزی و ثروت

۵- عمر طولانی

برخی از برکات و  
آثار خدمت به  
والدین

۱- کوتاهی عمر: قتل متوکل به دست فرزندش منتصر به جرم توهین به حضرت زهرا سلام الله علیها،  
مع ذلک با اینکه واجب القتل بود نفس اهانت توسط فرزند اثر وضعی دارد.

۲- در زندگی خوار می‌شود

۳- مرگ‌های جانخراش

برخی آثار  
ظلم  
به والدین

اگر والدین بد هم کرده باشند باز از فرزند عدالت خواسته نشده بلکه بالاتر از عدالت خواسته شده، عدالت از دو حق مساوی خبر می‌دهد، احسان خواسته شده گرچه والدین در صورت کوتاهی گناهکارند ولی کیفر آنها به اولاد واگذار نشده است.



« و وصینا الانسان بوالدین احساناً » احسان بالاتر از عدالت است یعنی در صورت بدی باز خوبی کردن.

اخلاقی

مالی

روانی

معنوی

## مصادیق احسان

### (۱) احسان اخلاقی: گام اول یا توانایی اول فرزند در میدان عمل احترام به آن ها در همه حالات

- ۱- به کنیه باید پدر مادر را صدا زد و آن ها هم که صدا بزنند بخصوص مادر، باید در نماز مستحبی نماز را بشکنند
- ۲- آرامش آنها را به هم نزنند چه در خواب چه در بیداری
- ۳- رهبر انقلاب درس خارج را کنار گذاشت آمد خدمت پدر فرمودند پدرم در سالمندی (مرحوم آیت الله سید جواد خامنه ای) از ناحیه چشم دچار مشکل شدند نیاز به من داشتند از طرفی درسها در اوج بود مانده بودم چه کنم با یکی از بزرگان اهل معنا گفتم چکنم؟ گفت بگذار و بگذار خدا قهر را به مشهد برایت منتقل می کند و همینطور شد.

### (۲) احسان مالی: فرزند به توانمندی رسید

- نفقه والدین محتاج برگردن فرزند واجب است در صورت توانائی حتی اگر فاسق باشند (در شرح لمعه جلد ۲)
- فرزند یا دانش آموز است یا کاسب و کارمند و صاحب درآمد
- ۱- اگر صاحب حقوق است باید کمک کند. فردی محضر پیامبر (ص) با پسرش آمد گفت: یا رسول الله این فرزند من است من سر پیری نیازمند شدم نباید کمک کند به من؟ فرمود: چرا. این ماه از بیت المال میدهم بعد خودت باید بدهی (انت و مالک لایبیک) ماه آمد باز نداد، پیامبر (ص) مطلع شدند فرمودند: بدتر از پدرش می شود. انبارها گندید. خاکسترنشین شد.

فرزند در ۱/۳ ارث برای والدین باید وصیت کند.

فرزند قرض والدین را بدهد

پیامبر (ص) به حلیمه در قحطی ۴۰ شتر و گوسفند داد.

برای ثویبه مادر رضاعی هدایا در مکه می فرستاد.

۲- اگر حقوق نداره فتیله خرج را پائین بکشد

نپوشد

نخورد

نگردد

بهنتر از والدین

### (۳) احسان روانی

کودکی

نوجوانی

جوانی

میانسالی

پیری

مراحل عمر انسان

### پیری

یکی از حساس ترین مراحل عمر انسان پیری است که در هجوم رنج ها ، نومیدی ها و افسردگی ها و بی کسی هاست. و بیشتر از هر زمانی نیاز به توجه ، مراقبت و حمایت دارد.

« و من نعمة نكسه فی الخلق »

قران کریم هم در سالمندشناسی می فرماید: علی (ع): من ثمرة طول الحیاة كثرة الآلام.

والدین تا جوانند نیرو دارند محتاج اولاد نمی شوند اما در پیری شدید محتاج می شوند. فرزندان نباید بگذارند آن ها عجز خود را بیان کنند ، احساس خجالت و خواری کنند و با خواری حمایت اولاد را طلب کنند. همانگونه که والدین نگذاشتند شما در نوجوانی کودکی نیازمند بودی راضی نشدند تو با خواری خواسته هایت را بگیری بلکه خودشان جلو جولو تو را تأمین کردند خریدند پول توی جیب گذاشتند تا اعتماد به نفس از دست ندهی دست دراز نکنی خواری نباشی جلو رفقاییت احساس ذلت و خواری نکنی . حالا هم تو نباید بگذاری آن ها وادار شوند به سختی و گرفتاری های عصر پیری همانطور که در روایت مولای متقیان منعکس است فراگیر است به یک مورد ۲ مورد اختصاص ندارد.



در غرب پیر را بیماری زا و مزاحم خانواده و مضر می دانند و به محض ورود به سالمندی، کهولت سن تاریخ مصرف او را در جامعه پایان یافته تلقی می کنند و به مراکز خاص مثل بیماران جذامی منتقل می شود که همان مرکز نگهداری سالمندان است و این اهانتی تکان دهنده و هولناک است که سالمند را به مرگ عاطفی مبتلا می کند و بسا سالمندانی که پس از انتقال سکنه نموده یا فوت کرده اند.

اما اسلام عزیز چه می فرماید:

البرکة مع اکابرکم - الشیخ فی اهله کالنبی فی امته. نه تنها او را مضر، آلوده و... نمی داند که او را منشاء برکات، خیرات و عامل مهم تربیتی و عامل مهم پیوند خانواده ها و نسل ها می داند و در آینه وجود او هویت خاندان را می خواند به همین دلیل دیده شده تا وقتی پیر در حیات بوده رفت و آمدهای فامیلی زنده بوده پس از وفات متلاشی شده اند و بهداشت روانی فامیل و خانواده به خطر افتاده است (بهداشت روانی فامیل، اصل مهم صله رحم)

در عصر پیامبر عزیز (صلی الله علیه و آله) خراج ممالک تحت سلطه اسلام زیاد بود از حضرت کسب تکلیف کردند فرمود: آسایشگاه سالمندان نسازید اسلام با ساخت بناهای خیریه مخالف نیست و نیز با یتیم خانه و خانه سالمندان، اما معتقد است پیر در خانواده باید نگهداری شود تا حرمتها و قوانین الهی نقض نشود لذا فرمود: مسلمانان برده خریداری کنند و پیشنهاد اسلام بدهند. لذا ساختن یتیم خانه و آسایشگاه سالمندان ساختن در ضرورت گناه نیست طرد کردن پیر گناه است حتی فرزندان شهدا در صدر اسلام را حضرت مثل اصحاب صفة در مرکز جدا نگهداری نکرد بلکه به مسلمانان فرمود به خانه ببرید. اف بر علمی که خانه ها را از وجود پیران خالی، خانواده ها را از برکت آنان محروم می کند.

مشکل بهداشت جسمی بلحاظ ناتوانی

اختلالات گوارشی

اختلال در سیستم شنوایی و بینایی

فشار خون

بزرگ شدن پروستات، مشکل عدم کنترل ادرار

بیماری های تنفسی

بیماری های قلبی

دیابت

سرطان

یائسگی در مادران

## برخی از بیماری های جسمی فیبولوژیکی و بیولوژیکی

۱- اضطراب: خودباختگی در مقابله با چالشها و رنج ها

۲- افسردگی (بخصوص ابزار استفاده شدن مثل بچه نگهداشتن، خریدها و...،

پاس دادن به این خانه و آن خانه برای نگهداری پیر که احساس سربار بودن می کند)

۳- اختلالات خواب (کم خوابی، بی خوابی، پریشانی و...)

۴- آلزایمر: فراموش کردن و فراموش شدن: افراد را نمی شناسد، آدرس خانه را نمی داند

و...، وسایل خود را نمی تواند بیابد و ...

(البته در قشر نماز شب خوان کمتر دیده شده است و قاریان صادق قران.)

۵- حرافی: علی(ع): النطق راحة للروح

خاطره گویی افسردگی را کاهش می دهد، تو کودکی حرف می زدی سبب

زمینی را دیب دمینی می گفتی نفرمود حرف نزن، حرف نزن تو اتوبوس

می زدن با تشر ساکتش می کنن احساس حقارت می کند

۶- توهم زدگی، خیالاتی شدن، سوءظنی شدن

۷- زودرنج شدن: کودک صفت شدن

۸- اختلالات عصبی و لرزش

۹- سکنه

۱۰- بی ارزشی

## برخی بیماریهای شایع روحی روانی در عصر پیری



اختلال عصبی ناشی از یائسگی یا قطع دوره که یک رویداد مهم در زندگی مادران است که مادران را از دوره باروری به ناباروری انتقال می دهد.

این تغییرات هورمونی از اوایل دهه پنجم زندگی آغاز می گردد و سبب اختلال در کار تخمدانها و در نتیجه اختلال در قاعدگی می گردد تا قطع قاعدگی تثبیت می شود و یائسگی رخ می دهد ظهور یائسگی همراه با اختلالات عصبی است. در ورود به این حالت زن گاهی احساس پوچی، بی ارزشی، بدبینی نموده و به اختلالات عصبی مبتلا می شود. عوارض یائسگی در زنان و مادران:

۱- خونریزی ها پراکنده پس از قطع قاعدگی که گاهی به سرطان رحم می انجامد که باید آزمایش پاپ اسمیر انجام شود (تشخیص و نمونه برای تشخیص سرطان)

۲- گرگرفتگی، تعریق شدید در گردن و صورت

۳- بی خوابی شبانه بر اثر گشاد شدن عروق خونی و ضربان قلب و بالا رفتن حرارت بدن

۴- پوکی استخوان: بر اثر کمبود استروژن که در اثر اختلال در غده هیپوفیز ایجاد می شود جذب ناقص کلسیم از روده ها سبب پوکی استخوان در سنین ۶۰ به بالا می شود.

### نمونه هایی از محبت مادری به فرزند

۱- در آتش سوزی در فرانسه بر اثر انفجار در دکل برق، لک لک مادر سوخت ولی ولی از روی بچه هایش بلند نشد.

۲- توپ آلمانها در پاریس به انباری اثابت کرد صدای وحشتناکی در منطقه پیچید همه فرار کردند جز کبوتری که روی جوجه اش بود و فلبش پاره شد اما بلند نشد.

رهبر صالح

مظلوم

فرزند صالح

والدین برای فرزند

برادر مومن در حق مومن

امام صادق علیه السلام: دعای ۵ کس بر خدا پوشیده نیست

### (۴) احساس معنوی

شهید مطهری: بعضی گمان می کنند حقوق والدین فقط در زمان حیات مطرح است.

پیامبر صلی الله علیه و آله : زوروا موتاکم فانهم یفرحون بزیارتکم.

یکی از مقاطعی که دعا مستجاب است کنار قبر والدین است.

خداوند دلهای ما را بیدار و توفیق خدمت به والدین در تمام مراحل عمر شریف آنان را به ما عطا بفرماید ان شاء الله !





# آشیانه سبز

### خانواده در غرب

امروزه، پایه های خانواده در غرب که بر اساس منافع مادی تمدن غرب بنا گردیده، بیش از هر زمان دیگری متزلزل شده است. ارزش والای انسانی در خانواده های غربی زیر پا نهاده شده، از کرامت های اخلاقی خبری نیست و آرامشی که محصول روابط نیک است، در این خانواده ها دیسیده نمی شود<sup>(۱)</sup> از هم گسیختگی خانواده در جوامع غربی، افزون بر دگرگون ساختن کارکردهای بنیادین آن، از نظر ساختار خانواده و شکسته شدن حرمت ها، مشکلات فراوانی را به وجود آورده است. مانند: افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق، افزایش کودکان نامشروع و افزایش سوء استفاده های جنسی از زنان و کودکان<sup>(۲)</sup>.

### خانواده در اسلام

خانواده در اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است. در این مکتب، خانواده زیربنای اجتماع است و هر قدر استوار باشد، جامعه پویاتر است و افراد جامعه، رستگارتر خواهند بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از بنای ازدواج نیست»<sup>(۳)</sup> قرآن کریم نیز در تشویق به تشکیل خانواده و ازدواج می فرماید: «زنان و مردان را همسر دهید... اگر نیازمند و فقیر باشند، خداوند از لطف و فضل خویش آنها را بی نیاز می سازد»<sup>(۴)</sup> آیه و روایت یاد شده، به خوبی نشان می دهد ازدواج و تشکیل خانواده، سنتی الهی و عبادتی پسندیده است. با برگزیدن این امر مقدس، می توان به رستگاری دنیا و آخرت رسید؛ هم از لذت های زندگی بهره برد و هم با دور ماندن از گناهان، دوستی خویش را با خدا، پیامبر و اهل بیتش استوارتر ساخت.

### ضرورت تشکیل خانواده

برای پیدایش خانواده، علت های گوناگونی آورده اند. گروهی، ازدواج و تشکیل خانواده را، تنها وسیله هدف های جنسی و ارضای هوس های شهوانی می دانند و دسته ای دیگر، به آن جنبه اقتصادی می دهند و چنین می پندارند که پیوند

### خانواده و نقش محوری آن

خانواده، به عنوان مهم ترین و با قداست ترین نهاد اجتماعی در صحنه مناسبات فردی و گروهی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ به نحوی که نقش محوری آن در عرصه های گوناگون جامعه بر کسی پوشیده نیست و جایگاه برجسته آن انکارناپذیر است. خانواده، مرکز حفظ سنت های ملی و اخلاقی، و کانون رشد عواطفی است که سیاست زور در آن راه ندارد. کودکی که در این محیط پرورش می یابد، جزئی از ملت و پیرو سنت ها و اخلاق اجتماعی است.

### خانواده، اقتدار ملی و اقتصاد

خانواده، در حفظ اقتدار ملی سهم مؤثری دارد. تاریخ نشان می دهد همیشه ملت هایی قوی تر بوده اند که خانواده، اساس محکم تری در آنها داشته است و انحطاط هر قوم از زمانی شروع شده که در مبانی خانواده های آن سستی راه یافته است. خانواده در زمینه های اقتصادی نیز نقش انکارناپذیری در استوار کردن پشتوانه مالی کشور و رشد ثروت دارد؛ به نحوی که نخستین گروه های اقتصادی را خانواده ها تشکیل داده اند. زمین های کشاورزی و کارگاه های صنعتی با سرمایه اعضای خانواده و با نیروی مشترک آنان اداره می شد.



زناشویی، نوعی تجارت و معامله بین دو خانواده است. این دیدگاه‌ها، با هدف اصلی زناشویی که ضرورتی اجتماعی است، فاصله زیادی دارد.<sup>(۹)</sup>

### اهداف تشکیل خانواده در اسلام

الف) حفظ بقای نسل

دین اسلام معتقد است خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به ندای فطرت آدمی پاسخ می‌دهد. اسلام، زناشویی را یگانه وسیله پیدایش فرزندان درستکار و حفظ نسل می‌داند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «خداوند برای شما از جنس خودتان، همسرانی قرار داد و برای شما از همسرانتان، فرزندان و نوادگانی پدید آورد و نعمت‌های پاکیزه را روزی شما ساخت.»<sup>(۱۰)</sup>

ب) آرامش روحی، اخلاقی و فکری

آرامش روحی، اخلاقی و فکری، یکی از پایه‌های رستگاری آدمی است که با پیوند ازدواج فراهم می‌آید و به نگرانی‌های موجود در زندگی پایان می‌دهد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های الهی این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد تا در پناه آنان به آرامش خاطر برسید و میان شما رحمت و مهربانی قرار داد.»<sup>(۱۱)</sup> همسر خوب و شایسته، می‌تواند آرامش را در خانواده حاکم کند و از نگرانی‌های همسرش در مورد مسائل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و... بکاهد.<sup>(۱۲)</sup>

ج) پرورش فرزندان

در جامعه اسلامی، خانواده در نگهداری، پرورش و آموزش فرزندان بزرگ‌ترین نقش را بر عهده دارد. از دیدگاه اسلام، یکی از وظایف اصلی پدر و مادر، پرورش فرزندان بر پایه اصول صحیح اخلاقی است که اگر در انجام آن کوتاهی ورزند، با بازخواست الهی رو به رو خواهند شد. هر کودکی، دین، مذهب و باورهای بنیادین خود را نخستین بار در دامن خانواده فرا می‌گیرد و در

آنجاست که با بایدها و نبایدهای زندگی آشنا می‌شود.<sup>(۱۳)</sup>  
د) تکامل انسانی

به یقین ازدواج و تشکیل خانواده، از جمله اموری است که آدمی را در بعد مادی و معنوی به سوی کمال سوق می‌دهد و مایه تکامل اوست. این امر به ویژه زمانی شکل می‌گیرد که پیوند زناشویی با معنویت همراه باشد و زن و شوهر در سایه آن احساس آرامش کنند و به خدا نزدیک تر شوند. یکی از حقوق زوجین آن است که در راه تکامل یکدیگر بکوشند و کسی که در این مسیر گام بر ندارد، هدف ازدواج و تشکیل نهاد مقدس خانواده را نادیده گرفته است.<sup>(۱۴)</sup>







#### ه) شکل دهی به هویت اجتماعی

در بسیاری از جوامع صنعتی معاصر، به ویژه در جوامع طبقاتی، خانواده، تعیین کننده پایگاه اجتماعی و هویت افراد است و کودکان در خانواده با افکار و شیوه‌های زندگی و شرایط مخصوص به آن پرورش و تربیت می‌یابند؛ البته در جامعه دینی و اسلامی، تقوا، علم و عمل، تعیین کننده پایگاه اجتماعی افراد است. در این میان، وظیفه فراهم آوردن بستر تکامل، به طور غیر مستقیم بر عهده خانواده قرار دارد.<sup>(۱۱)</sup>

شده که به صورت جاده‌ای پریپیچ و خم و پر از دست انداز درآمده است. توقعات برخی پدر و مادرها به قدری بالاست که تشکیل نهاد مقدس خانواده، برای عده ای از جوانان، تقریباً ناشدنی به نظر می‌رسد. آنچه باید مورد توجه افراد و به ویژه پدرها و مادرها قرار گیرد، آن است که ازدواج، سنتی الهی و حکمی فطری است که با قانون آفرینش هماهنگ است و انسان در سایه آن به اهداف و آرمان های خویش می رسد و می تواند مشکلات خود و دیگران را حل کند.<sup>(۱۲)</sup> با توجه به این، آسان گیری ازدواج، فضیلتی بزرگ به حساب می آید.

#### خانواده، سنتی الهی

با کمال تأسف، امروزه مسئله تشکیل خانواده، آن قدر میان آداب و رسوم گوناگون و در برخی موارد اشتباه پیچیده

#### خانواده در جامعه اسلامی

خانواده، واحدی اجتماعی است که در جامعه اسلامی و دینی، نقشی مؤثر و مهم بر عهده دارد. جامعه اسلامی